



پرواز با

شهبال‌های هنر

گفت‌وگو با دبیران هنر دیار فارس

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر / عکاس: علی‌رضا فرصت کار

اشاره

ای کاش فرصت زیاد و صفحات بیشتری داشتیم تا همیشه و همواره پای صحبت دبیران هنر در جای جای کشور عزیزمان می‌نشستیم. واقعیت این است که روایت هر کدام از دبیران هنر، علاوه بر اینکه با دیگری متفاوت است، بسیار شنیدنی و پرجاذبه است. از سخنان این عزیزان ده‌ها ایده و محور برای ایجاد شور و حرکت هنری حاصل می‌شود؛ امری که لازمه گام زدن استوار در عرصه هنر است. این بار دبیران هنر استان فارس ما را به ضیافت اندیشه‌ها و روش‌های هنری ارزنده خود در کلاس دعوت کرده‌اند. از خانم سکینه آقاحسینی سرگروه هنر استان فارس، و کارشناس گروه‌های آموزشی جناب دکتر شهریاری، برای اهتمام در شکل‌گیری این میزگرد مفید تشکر می‌کنیم.



سکینه آفاحسینی

این درس باید
حسن زیباشناسی
دانش آموزی
را که فکر و
ذهنش کنکور
است، تلطیف
کند و گرنه در او
شخصیت سالم
شکل نمی گیرد

حدود ۱۰۰ نفر می رسد. بقیه دبیران غیر تخصصی هستند که آن‌ها را هم سعی کرده ایم برایشان کارگاه‌های آموزشی و دوره ضمن خدمت بگذاریم.

*** مریم فتحی** در مهرماه که دنبال کار پژوهش برای کتاب هشتم بودم، آماری از دبیران هنر از اداره گرفتم که نشان می دهد ما در استان حدود ۱۶۹ نفر دبیر هنر، فقط در متوسطه اول داریم.

*** آفاحسینی** از طرف گروه آموزشی استان، کارگاه‌های آموزشی خوبی برای همکاران، چه تخصصی چه غیر تخصصی، برگزار شد. البته به سختی مجوز این ساعت‌ها را دادند. متأسفانه ما در بازدیدها به دبیرانی برمی خوریم که هیچ اطلاعاتی راجع به هنر ندارند، چرا که رشته تخصصی آن‌ها چیز دیگری است. یا اصلاً علاقه مند به هنر نیستند. اگر در سطح نواحی یا استان آموزش بدهیم باز هم نمی شود. چرا که شاید امسال هنر تدریس کنند ولی سال دیگر تدریس نکنند.

لطفاً دوره قبل از کتاب‌های هفتم و هشتم را با این دوره که این سه کتاب آمده مرور و مقایسه کنید.

*** زهره کنگاوری** من رشته هنر را در دانشسرای هنر خواندم و ۳۱ سال سابقه تدریس دارم. باید بگویم که کتاب پایه دهم بیشتر تئوری است و به معرفی رشته‌ها می پردازد، در حالی که بچه‌ها زیاد به تئوری گرایش ندارند. به همین دلیل وقتی می خواهیم امتحان بگیریم دانش آموز پس می زند. چرا که بیشتر کار عملی را دوست دارد.

از نظر شما کتاب با نیازها هماهنگ هست یا نیست؟

*** زهره کنگاوری** نه کتاب خیلی اشکال دارد. کار عملی باید باشد. من کار عملی کار می کنم. در جلسه اول رنگ شناسی درس می دهم.

*** دوستان و همکاران عزیز!** می دانید که در

سال ۱۳۹۸، همسان سازی کتاب درسی در پایه دوازدهم به پایان رسید و این به آن معنی است که ما ۸ ساعت درس هنر داریم؛ امری که در تعلیم و تربیت هنری بی سابقه است. ۸ ساعت ظرفیت بسیار خوبی است. ما در سرمقاله‌ها همواره تأکید کرده ایم که مقوله هنر یک مقوله فرادرسی است؛ یعنی درسی است که سایه سارش باید بر تمام درس‌ها بیفتد. این درس باید حس زیباشناسی دانش آموزی را که فکر و ذهنش کنکور است، تلطیف کند و گرنه در او شخصیت سالم شکل نمی گیرد. نظام ارزش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، علمی، و زیباشناختی باید به مثابه عوامل متناسب و متنظری باشد که شخصیت متعادل را شکل دهد. در حال حاضر مقطع خوبی است و درس هنر جایگاه خودش را دارد. این مقدمه‌ای است تا تجربیات ارزشمند شما دوستان را بشنویم. ما سعی کرده ایم مجله رشد هنر را به عنوان مجله‌ای تراز قرار دهیم تا دبیران هنر بیشترین حضور را در آن داشته باشند. لطفاً با معرفی خود، احساسات، نظرات، خاطرات و روش‌های آموزشی‌تان را به نحوی شرح دهید که دیدگاهتان را نسبت به درس هنر به خوبی منعکس سازد. در ابتدا از سرگروه هنر خانم آفاحسینی، خواهش می کنم نمایی از درس هنر استان را ترسیم کنند.

*** خانم سکینه آفاحسینی** طی سه سال حضور من در این گروه، به عنوان سرگروه، تعداد همکاری که در سطح تخصصی کار می کنند به

را به صورت کوفی بنایی، با خلاقیت خود طراحی کنند. اتفاقاً دانش‌آموزی که در کپی کمترین نمره را گرفته بود پرگار گذاشت و با رسم دواير متحدالمرکز **محمد رسول الله** را طراحی کرد! برای من خلاقیت چیز دیگری است؛ غیر از کاری که ما انجام می‌دهیم. کتاب‌های امروز چون به خلاقیت پرداخته‌اند موفق‌ترند. در واقع بستر خلاقیت اگر فراهم شود، شکوفایی بچه‌ها بهتر خواهد بود.

برای هنرهای آوایی چه می‌کنید؟

از نمایش‌نامه‌های موسیقی استفاده می‌کنم. مثلاً کلیپ «مرغ سحر» را همراه با متن نمایش می‌دهم. روی ویدیو پروژکشن بچه‌ها متن را می‌بینند و زمزمه می‌کنند. در این بین بحث ریتم، وزن و آوای موزون و ناموزون، رنگ و بافت صوتی را هم طبق کتاب تعریف می‌کنم و با هنرهای تجسمی مقایسه می‌کنم.

✳️ **نجمارزمی** کارشناس شیمی

کاربردی، کارشناس‌ارشد ادبیات نمایشی، شاعر، داستان‌نویس و دارای تجربه در بازیگری و کارگردانی هستم. قبلاً ۱۴ سال دبیر شیمی و دو سال هم کارشناس فرهنگی هنری در شهرستان کازرون بودم. اما در مورد هنر، ابتدا که شروع کردم ۶ کارگاه ۴ ساعته در رشته‌های عکاسی، هنرهای تجسمی، گرافیک و نمایش، متناسب با نیازها، به‌خصوص برای همکاران غیرتخصصی دایر کردیم. برای این کار از انجمن‌های هنری شهرستان، از جمله انجمن عکاسی کمک گرفتیم. روز اول تعداد شرکت‌کنندگان در کارگاه‌ها کم بود. اما کم‌کم زیاد شدند و در ششمین کارگاه تعداد بیشتر از همیشه شده بود.

ما در استان‌های مختلف دیده‌ایم که متناسب با فرهنگ خودشان فعالیت‌هایی را ارائه می‌کنند. مثلاً در سیستان و بلوچستان همکاران از ویژگی تاریخ سیستان استفاده می‌کنند. دبیر هنر ریشه‌های فرهنگی خودش را مطرح می‌کند. در فارس به طریق اولی ویژگی‌های فرهنگی داریم. آیا شما از این داشته‌ها برای بهبود کلاس هنر استفاده می‌کنید؟

✳️ **عبدالرسول خواجه** من لیسانس طراحی فرش، کارشناسی‌ارشد گرافیک، مذهب، و از سال ۱۳۸۰ سابقه دبیر هنری دارم. من منتقد کتاب هفتم، هشتم و نهم هستم. مشکل کتاب هنر

در کلاس هفتم با طبیعت بی‌جان شروع می‌کنم و خیلی جواب می‌دهد. مدتی که بچه‌ها کار کردند کارهایشان را قاب می‌کنیم و در نمایشگاه به مناسبت ۲۲ بهمن نمایش می‌دهیم. این کار باعث نوعی تبادل نظر می‌شود.

✳️ **احمدرضا اعتمادی** کارشناس هنرهای

تجسمی و کارشناس ارشد ارتباط تصویری هستم و ۲۲ سال سابقه تدریس دارم. سال ۱۳۸۳ نشریه‌ای به نام «پیک هنر» در مدرسه تهیه می‌کردم و در کلاس هم نکاتی را اضافه بر کتاب به دانش‌آموز یاد می‌دادم. مقاله‌ای هم در نشریه نگاه منتشر کرده‌ام به‌عنوان: «خوشنویسی دیروز؛ آموزش و پرورش امروز».

بازخورد انتشار «پیک هنر» در بچه‌ها چه بود؟

پیک هنر مکمل کتاب بود. مثلاً اگر در مورد استاد کانونیان مطلبی در کتاب نبود، در پیک هنر به آن می‌پرداختیم. من اعتقاد دارم که در پایه هفتم، هشتم و نهم یک فیلتری داریم به نام معلم آموزش عمومی هنر. زبان دانشگاه با زبان کودکی متفاوت است. برای معلم هنر تحصیلات دانشگاهی داشتن خوب است، اما انتقال به دانش‌آموز مهم‌تر است. من باید بتوانم مطلب را برای بچه‌ها قابل فهم کنم. یعنی تدریس به شیوه‌ای که در حد بچه‌ها باشد. در طراحی پوستر در پایه نهم به صورت ایده‌یابی و مرحله به مرحله با بچه‌ها کار می‌کنم. در بحث ارزشیابی گرافیک نهم تک‌تک فعالیت‌های بچه‌ها پوشه کار دارند.

بهترین روش ارزشیابی که اعمال کردید و نتیجه گرفتید چه بود؟ پوشه کار یا آزمون عملکردی؟

اول به بچه‌ها می‌گویم ایده‌ها را بنویسند. بعد بازخورد می‌گیرم و نمره ثبت می‌شود. در مرحله بعد بچه‌ها اسامی مرتبط با موضوع و اسامی غیرمرتبط را می‌نویسند. سپس ارتباط با موضوع را می‌نویسند و من تیک می‌زنم. در زمانی که به مرحله اجرا می‌روند. برای ایده و اجرا، هر دو نمره ثبت می‌شود.

بهترین خاطره معلمی شما چیست؟

اگر از بچه‌ها خواهیم از روی طرح کتاب نقاشی کنند، کاری ساده است و آن‌ها که کپی کار خوبی‌اند نمره خوبی خواهند گرفت. اما من روی تخته شطرنجی کار کردم و گفتم کلمه «علی»



احمدرضا اعتمادی



نجما رزمی



زهره کنگاوری



عبدالرسول خواجه



هومان عباسی



مریم فتحی



مختلف استفاده و به نیازهای بچه‌ها بیشتر توجه کرد.

✽ **هومان عباسی** من کارشناس ارشد باستان‌شناسی و تاریخ هنر، فارغ‌التحصیل هنرهای تجسمی از دانشگاه تربیت معلم، با ۱۸ سال سابقه تدریس در منطقه «جره و بالاده» کازرون هستم. دو سه سال هم هست در ناحیه ۱ شیراز خدمت می‌کنم. نقدی درباره درس معماری دارم. در پایه هشتم تقارن را در معماری توضیح داده و دانش‌آموز را به عکس ارجاع می‌دهد. در واقع بنا تقارن دارد، ولی عکس متقارن نیست. یا برعکس، پل خواجه از نظر معماری تقارن ندارد اما در عکس تقارن دارد. من برای علاقه‌مندان دانش‌آموزانی که به طراحی یا نقاشی علاقه ندارند، از شیوه‌های مختلفی مثل اسکرچ‌برد استفاده می‌کنم. گاهی بچه‌ها را به اردو می‌بریم و از آن‌ها می‌خواهم روی شن با ابتکار خود طرح بزنند. برای آثار حجمی از مقوای خمیری استفاده می‌کنم. برای طراحی اولیه بچه‌ها را به صحافی می‌برم تا برش بزنند. سپس شیوه سرهم‌کردنش را به بچه‌ها می‌آموزم. بچه‌ها برای تزئین آن مانور می‌دهند. گاهی حتی آثارشان را می‌فروشند. بچه‌ها شعر یا نقشی را به صورت اسکرچ‌برد اجرا می‌کنند، که از آن در گرافیک محیطی استفاده و در حین کار اصول گرافیک محیطی شرح داده می‌شود. از آنجا که من بچه ایل قشقایی هستم، در رابطه با بومی‌سازی، بچه‌ها را با قهرمانان، هنرمندان و قصه‌های محلی آشنا می‌کنم. از آن‌ها می‌خواهم قصه‌ای قدیمی را از پدر، مادر یا مادربزرگشان یاد بگیرند. سپس برای این قصه‌ها تصویرسازی کنند. از بعضی قصه‌ها هم در نمایش استفاده می‌کنیم.

این است که روند درستی ندارد. درس طراحی می‌توانست بهتر ارائه شود. در بخش طراحی در مورد اهمیت خوب نگاه کردن مطالبی بیان شده، ولی روندی ندارد که مثلاً از طراحی پایه شروع کند و به رنگ برسد. در خوشنویسی هم خوب بود متن را به خط نستعلیق می‌نوشتند. پرش زیاد دارد.

ظاهراً نمی‌شود کتاب جامعی تألیف کرد که نظر همه را تأمین کند. شما برای تلطیف کلاس چه ابتکاراتی دارید؟

خصوصیت کتاب‌های جدید این است که عکاسی، طراحی صنعتی و... را هم به‌عنوان هنر معرفی می‌کند؛ در حالی که در کتاب‌های قبلی فقط نقاشی و خوشنویسی را به‌عنوان هنر مطرح می‌کردند. در درس طراحی من با طراحی پایه شروع می‌کنم. در نقاشی به تدریج انواع رنگ‌ها را معرفی می‌کنم. در عکاسی دوربین معرفی می‌شود. در اصل کتاب نقشه راه را می‌دهد. چگونگی پیمودن راه با ماست.

از داشته‌های فرهنگی چطور استفاده می‌کنید؟

نسل جدید فضای فکری متفاوتی دارند. متناسب با این فضای فکری از داشته‌ها استفاده می‌کنم. مثلاً شهر کازرون از نظر باستانی، صنایع‌دستی و جغرافیا قابل توجه است. لذا من از این موقعیت‌ها و همچنین از طبیعت در آموزش هنر استفاده می‌کنم. برای مثال بلوط‌ها یا درخت‌های کازرون سوزن‌های مناسبی برای کار هستند.

نکته آخر:

باید در کتاب بازنگری شود. می‌شود از منابع

در پایه هشتم تقارن را در معماری توضیح داده و دانش‌آموز را به عکس ارجاع می‌دهد. در واقع بنا تقارن دارد، ولی عکس متقارن نیست. یا برعکس، پل خواجه از نظر معماری تقارن ندارد اما در عکس تقارن دارد



امیر پژمان



محمدهادی سلطانی سروسنایی

بخش خوشنویسی آیا لازم بود این حجم سرمشق در صفحات گنجانده شود؟ ادبیات و جملات هم خوب نیست. باید از ادبیاتی در خوشنویسی استفاده شود که در بچه نگرش مثبت ایجاد کند. دانش‌آموزان امروز هم، منابع کافی و هم استعداد خوب دارند. بنابراین باید درس به گونه‌ای باشد که در حوصله دانش‌آموز بگنجد. من سعی کردم آموزش را کاربردی کنم. لزومی برای خط درشت نمی‌بینم. خط تحریری بهتر است. اصلاً آموزش خط درشت روی تخته وایت‌برد شدنی نیست. طراحی حروف را به بچه‌ها آموزش دادم بعد حروف را برش زدیم. ترکیبی کار کردیم و المان‌های زیبا به وجود آمد. با این کار، حروف کم‌کم ملکه ذهن می‌شود. الان دانش‌آموز می‌تواند مثلاً با الف تندیس بسازد، یا نقش برجسته کار کند و از این راه می‌تواند حتی امرار معاش کند. خاطره‌ای دارم از زمانی که در روستای دستجرد استهبانات تدریس می‌کردم. دانش‌آموزی نحیف و سیه‌چرده داشتم. همیشه کنار میز من بود. ابتدا در سکوت مطلق بود. آرام‌آرام با من صحبت کرد. مشکل خانوادگی داشت. متوجه شدم به خوشنویسی علاقه‌مند است. در دفترش سرمشق خط تحریری دادم. بعد از عید که آمد، قرآن را تا وسط سوره آل عمران به صورت نستعلیق نوشته بود. ما نمایشگاه فصلی داریم و یک نمایشگاه دائمی از آثار دانش‌آموزان سال قبل. امسال عکس‌های دبیران مدرسه، کادر اداره و افراد شاخص شهر در زمینه ادبی، فرهنگی و علمی را در اختیار بچه‌ها قرار دادم و آن‌ها با نقطه چهره‌ها را طراحی کردند. در هفته معلم نمایشگاه پرباری داشتیم. از آن‌ها خواستیم در منزل هم همین کار را با تصاویر فامیل و خانواده انجام دهند. آن‌ها از این

*** امیر پژمان** کارشناس هنرهای تجسمی در شهرستان استهبان و دارای ۲۱ سال سابقه تدریس هستیم. من در نسخ تخصصی کار می‌کنم. به نظر من کتاب‌های جدید رویکرد و سرفصل‌های زیبا دارد. با این حال، نکته‌ای را باید اشاره کنم. عنوان کتاب‌های قبلی «هنر» بود، اما اکنون «فرهنگ و هنر» است، ولی در کتاب به فرهنگ اشاره‌ای نشده است. زنده‌یاد حسین تهرانی (استاد خوشنویس) می‌گوید: «۹۹ درصد اخلاق یک درصد هنر». ما هنرمند زیاد داریم اما هنر شایسته و بایسته کم. این روزها هر کس زخمه‌ای به سازی زد و رنگی روی بوم ریخت، کارش هنر قلمداد می‌شود؛ ولی هنرمندی که بتواند اصالت و هویت فرهنگی شهر و قوم و طایفه را آشکار کند به هنر نزدیک‌تر است. گفته می‌شود این کتاب دانش‌آموزان را در آشنایی به میراث فرهنگی شهر کمک می‌کند، ولی من در کتاب در این مورد چیزی ندیدم. شاید کتاب هفتم نوعی کتاب هنر باشد. چون از نظر نگاه، زیبایی جلد، طراحی و ... از کتاب‌های دیگر بالاتر است. اما کتاب هنر در پایه‌های بالاتر شبیه کتاب تاریخ شده است. کتاب هشتم از لحاظ گرافیکی جلوه خاصی ندارد به طوری که گاهی دانش‌آموزان کتاب‌های دیگر را اشتباهی به جای کتاب فرهنگ و هنر می‌آورند! یعنی ظاهر آن وجه تمایزی ندارد. کتاب هشتم نسبت به کتاب قبل سرفصل‌های خوب و شیرینی دارد، اما اگر بخواهیم دقیق نگاه کنیم، گاهی سرفصل‌ها گنگ و نامفهوم است. من نمی‌توانم منابعی پیدا کنم تا مطلب را به دانش‌آموز ارائه و تفهیم کنم. ما در مدارس نمونه هستیم. اما آیا در روستا هم امکانات لازم برای آموزش این سرفصل‌ها وجود دارد؟ در

اصلاً آموزش خط درشت روی تخته وایت‌برد شدنی نیست. طراحی حروف را به بچه‌ها آموزش دادم بعد حروف را برش زدیم. ترکیبی کار کردیم و المان‌های زیبا به وجود آمد



زهره هوشمند

که همکاران گفتند سرفصل‌های طراحی‌ها در سه کتاب هیچ ارتباطی با هم ندارند و پیوستگی وجود ندارد که همدیگر را کامل کند. سال گذشته برای تشویق بچه‌ها نمایشگاهی با ۵۰ اثر در گالری آبیگینه گذاشتیم. خیلی بازدیدکننده داشت. همه کارها با همکاری بچه‌ها و خانواده‌ها انجام شد. امسال هم مدیر مدرسه یک کلاس در اختیار ما قرار داد که آنجا را به‌عنوان کارگاه هنر آماده کنیم. من نفری ۱۰ هزار تومان از بچه‌ها گرفتم و تمام وسایل موردنیاز را با این پول خریداری کردم. به بچه‌ها گفتم محیط کلاس را با توجه به درس گرافیک محیطی به کارگاه هنر تبدیل کنید. سعی کردم آماده‌سازی کارگاه برگرفته از مطالب کتاب باشد و نمره درس را هم به آن‌ها دادم. چقدر بچه‌ها استقبال کردند و لذت بردند!

✽ زهره هوشمند لیسانس گرافیک دارم و سرگروه ناحیه ۴ شیراز هستم و همچنین ۱۷ سال سابقه کار در متوسطه اول دارم. با یک گروه سنی سروکار دارم که همه در اوج خلاقیت هستند و خیلی راحت می‌شود از این خلاقیت استفاده کرد. گاهی لازم است مبنا و سرفصل کتاب متناسب با کلاس و مدرسه تغییر داده شود. من با توجه به زیاد بودن سرفصل‌ها و زمان‌بر بودن آن‌ها، بعضی از سرفصل‌ها را با هم تلفیق می‌کنم. مثلاً بخش هنرهای سنتی نهم را با گرافیک محیطی تلفیق می‌کنم. ما با طلق و مقوا پنجره‌ها را تزئین کردیم. در پایه نهم در بخش ارتباط تصویری از بچه‌ها خواستیم برای شغل آینده‌شان یک آرم طراحی کنند. به این ترتیب که اول شغل موردنظرشان را بنویسند و درباره‌اش توضیح دهند. بعد در مورد مخاطبان آن شغل بنویسند و با اصولی که آموزش دادم یک آرم برای آن شغل طراحی کنند. این طراحی‌ها به اوراق اداری تبدیل می‌شود. خوشنویسی را در هر پایه‌ای در قالب کار دیگری می‌آورم. مثلاً پایه هفتم خط نقاشی کار می‌کنم. پایه هشتم روی کاغذ آلومینیوم با شاپن کار می‌کنم. پایه نهم اسکراچ‌برد کار می‌کنم. خاطره شیرینی دارم. چندسال پیش در برگشت از مدرسه سوار اتوبوس شدم. خانمی آمد گفت: شما خانم هنرمند هستید؟ گفتم نه من هوشمندم! متوجه شدم که چون معلم هنر او بودم این اشتباه را کرده است. او شاگرد خودم بود.

✽ علی اصغر زارعی دارای ۲۵ سال سابقه کار هستم. ما معلم‌های هنر خیلی درد دل داریم. مهم‌ترین مشکل ما این است که به

کار درآمد هم داشتند. این برای بچه‌های روستایی خوب است. ۱۰ سال پیش در استهبان کارگاه هنر راه انداختیم. از بچه‌های فناوری کمک گرفتیم. در این کارگاه‌ها از کارهای سنتی‌مان استفاده شد. به‌عنوان مثال شیشه‌های رنگی را با طلق‌شیشه‌ای محکم کردیم. کار دیگری که انجام شد این بود که از والدین خواستیم پوشه کار بچه‌ها را ببینند و نظر بدهند. استاد عظیم‌پور بحث جالبی کردند: ما نمی‌خواهیم هنرمند تحویل جامعه دهیم، بلکه می‌خواهیم نگرش بچه‌ها را نسبت به هنر عوض کنیم و کاری کنیم که نگرش هنری پیدا کنند. می‌خواهیم مسیر را برایشان باز کنیم. کار دیگری که انجام شد، ارتباط با انجمن‌های مختلف بود. از اساتید دعوت شد که بیایند و سر کلاس صحبت کنند. این کار انرژی و پتانسیل زیادی در بچه‌ها ایجاد کرد.

✽ محمدهادی سلطانی سروستانی من لیسانس هنرهای تجسمی با ۲۳ سال سابقه تدریس هنر دارم. تأیید می‌کنم کتاب نواقصی دارد اما جذابیت‌هایی هم دارد. ما می‌توانیم از معایب چیز خوب بسازیم. من در بخش عکاسی دانش‌آموزان را با چند چالش روبه‌رو کردم و این کار را در هر سه پایه انجام دادم. من ابتدا روی فرهنگ تأکید دارم و بعد از آن هنر. زیرا هنر باید یک فرهنگ غنی پشت سرش باشد. سه سال است که این فعالیت را با دانش‌آموزان انجام می‌دهیم. سال اول بذر آنگوزه (گیاه دارویی) به بچه‌ها دادم و گفتم بکارید. قبلاً آموزش نحوه کاشت را داده بودم. گفته بودم این گیاه را باید در بلندی کوه بکارید و وقتی سبز شد از مراحل رشد آن عکس بگیرید. این کار برای حفظ محیط‌زیست و خاک هم مؤثر است. سال بعد بذر گیاه «جاشیر» و امسال بذر «لوک» را کاشتند؛ به همان ترتیب. بچه‌ها از یک سوژه در گذر زمان عکس می‌گیرند و در عین حال تکنیک‌های عکاسی هم به آن‌ها گفته می‌شود. تکنیک‌های ساده‌ای مثل کادر افقی و عمودی، نور و غیره.

✽ فتحی کارشناس ارشد پژوهش هنر هستم. خوشبختانه روند کتاب‌ها بهتر از قبل شده، چون لاقابل به دبیران این فرصت را می‌دهد که بتوانند متنوع تدریس کنند. به همین دلیل اگر کار دبیرها را با هم مقایسه کنید دو کار شبیه هم نیستند. اختیار می‌دهد که در حیطة سرفصل آزادی عمل داشته باشیم. ولی همان‌طور

سال اول بذر آنگوزه
(گیاه دارویی) به
بچه‌ها دادم و گفتم
بکارید. قبلاً آموزش
نحوه کاشت را داده
بودم. گفته بودم این
گیاه را باید در بلندی
کوه بکارید و وقتی
سبز شد از مراحل
رشد آن عکس
بگیرید. این کار برای
حفظ محیط‌زیست و
خاک هم مؤثر است



علی اصغر زارعی



مهدی عظیم‌پور

در موقعیت قرار می‌گیرند. هم فیلم می‌بینند و هم یاد می‌گیرند.

✳️ **مهدی عظیم‌پور** ۲۶ سال سابقه تدریس داریم؛ از پیش‌دبستان تا دبیرستان و ضمن خدمات‌ها و دانشگاه. در استان ما نیروهای تخصصی بسیار زنده‌ای هستند. اگر می‌بینید که خیلی از دبیران هنر ما اقناع نمی‌شوند به این دلیل است که آرمان‌های آن‌ها وسیع است. معلم هنر باید بیشتر از معلم عادی هم کاریزما و شخصیتی داشته باشد و هم به دنبال اهداف خود باشد. به نظر من خوب است برای مسئولین و سیاست‌گذاران، فلسفه هنر بهتر و بیشتر تبیین شود. ما سطح کلاس هنر را در حدی که مسئولین می‌خواهند بالا نگه می‌داریم؛ چون به نظر خودم سطح بعضی از درس‌ها مثل ورزش و هنر پایین است؛ چرا که آموزش و پرورش بضاعت و امکانات لازم برای این درس‌ها را ندارد. لذا از نداری است که ما احساس بی‌مهری می‌کنیم.

از تجربیاتتان بگویید.

ما باید به جای تعلیم هنر، تبیین و ایجاد انگیزش را در اولویت قرار دهیم. من در دو کلاس تست کردم. در این تست تمام آیت‌های همگون بودن را رعایت کردم. به نظر من اگر تبیین درست انجام شود، وظیفه تعلیم از گردن معلم ساقط می‌شود. ما تغییر کتاب را به فال نیک می‌گیریم حتی اگر عقب‌گرد باشد. فعلاً نگران این هستیم که فرمت کتاب سی سال خواهد یک‌جا بایستد و تغییر نکند!

هنر به اندازه دروس دیگر مثل ریاضی اهمیت داده نمی‌شود. هنر مثل وعده عصرانه است. شد، نشد نشد! هنوز بسیاری به اهمیت درس هنر واقف نیستند و نمی‌دانند که هنر چه تأثیری در آینده کشور می‌گذارد. آقای امیری یکی از همکارانمان می‌گویند: پیشرفت یک کشور به پیشرفت صنایع مادر بستگی دارد. باید طراحی قوی باشد. از یک خودکار ساده تا هواپیمای پیشرفته. باید بتوانیم خلاقیت دانش‌آموزان را پرورش دهیم. هیچ درسی مثل درس هنر برای پرورش خلاقیت مؤثر نیست. چرا نباید خودروی ملی‌مان را خودمان طراحی کنیم؟

شما برای پرورش خلاقیت دانش‌آموزان چه روش‌هایی دارید؟

خلاقیت این است که کار تقلیدی و کپی نباشد. سعی می‌کنم بچه‌ها فکر نو داشته باشند و برای این کار برایشان محدودیت می‌گذارم تا مجبور شوند محدودیت را دور بزنند. مثلاً در درس طراحی می‌گویم فقط از شکل‌های هندسی استفاده کنید؛ یا محدودتر، فقط از دایره و مربع استفاده کنید. آن‌ها مجبور می‌شوند با خلاقیت این اشکال را کنار هم بنشانند.

ابتکارات تدریستان چیست؟

چون بچه‌ها به نمایش فیلم سینمایی علاقه‌مندند من فیلم نمایش می‌دهم و در وسط فیلم آن را قطع می‌کنم و مثلاً راجع به زاویه دید فیلم‌بردار توضیح می‌دهم. به این ترتیب بچه‌ها

سطح بعضی از درس‌ها مثل ورزش و هنر پایین است؛ چرا که آموزش و پرورش بضاعت و امکانات کافی برای این درس‌ها را ندارد. لذا از نداری است که ما احساس بی‌مهری می‌کنیم



سجاد بذرافشان

دیده شدن
برای انسان مهم
است، به خصوص
برای نوجوانان.
وقتی نمایشگاه
می گذاریم یعنی
کار تو خوب
بوده و من به تو
اهمیت می دهیم.
وقتی کار یک
هنر جو در
نمایشگاه قرار
می گیرد، طبیعتاً
بچه احساس
بالندگی می کند

هنر را برمی دارند ولی کلاس نمی روند. قطعاً ما می گوییم معلم خلاق است که می تواند دانش آموز خلاق و توانمند پرورش دهد. همکاران از روش های قدیمی استفاده نکنند. همین که چند تا همکار جمع می شوند و از روش های درس یکدیگر استفاده می کنند خیلی ارزشمند است. هنگامی که طرح درس ها نوشته می شود و کنار هم قرار می گیرد به یک روش تدریس برتر می رسیم. در درس هنر مشارکت مدیران مهم است. اگر دانش آموزان از آثار تاریخی بازدید کنند و در این بازدیدها فرهنگ های بومی شرح داده شود، بسیار مفید خواهد بود. همان طور که همکاران گفتند در کتاب هفتم و هشتم پیوستگی نیست و گسست وجود دارد. در مدرسه ما انجمن های زیادی مثل انجمن نمایش و خوشنویسی هست و هر یک از بچه ها، بنا به سلیقه خودشان، در انجمن عضو می شوند. خودم با بچه ها نمایش کار می کنم. در مدرسه چند بچه شرور بودند. من متوجه شدم این پتانسیل و انرژی باید در جایی استفاده شود. اکنون دو سه سال است که این بچه ها نمایش کار می کنند و بسیار پیشرفت کرده اند. باید دانش آموزان را استعدادیابی کرد. پارسال در پایه هشتم دانش آموزی داشتم که اصلاً از هنر خوشش نمی آمد و بسیار منزوی بود. اواخر سال که به بچه ها یک تصویرسازی را تکلیف دادم. او یک تصویر انتزاعی جالبی کشید: تشویقش کردم و از آنجا استارت خورد و تابستان ۵۰ تا ۶۰ کار انجام داد. در حال حاضر این دانش آموز نمایشگاه آثارش را ارائه می دهد. آیا این باعث شگفتی نیست؟!

سخن آخر اینکه هنر با جامعه ما پیوند خورده است. بیاییم دید هنری دانش آموزان را بالا ببریم. استعداد های هنری را کشف کنیم. در جهت پیشبرد اهداف هنری مدرسه و جامعه تلاش بیشتری کنیم. دانش آموزان را با فرهنگ اصیل ایرانی، اسلامی، بومی و محلی آشنا کنیم. به قول خواجه حافظ:

**قلندران حقیقت به نیم جو نخرند
قبای اطلس آن کس که از هنر عاری
است**

از مطالب یک یک دبیران محترم هنر در دیار فارس استفاده کردم. امیدوارم این جلسات همنشینی برای بهره گیری هر چه بیشتر تداوم یابد.

سجاد بذرافشان دانشجوی ارشد ارتباط تصویری هستم و ۶ سال سابقه کار دارم. سال اول که مشغول به کار شدم در چادر درس می دادم. یک شب باد چادر را برد و فردا ما در خاک به دنبال وسایلمان می گشتیم. در مورد کتاب، دوستان نیمه خالی را گفتند، ولی به نظر من کتاب قابل قبول است. من سعی می کنم با دانش آموزان رشته هایی را کار کنم که آن رشته ها عمومی و ملموس باشند. مثلاً در یک کلاس از ۳۰ نفر دانش آموز، ۵ نفر در خانواده گلیم بافی می کنند. بنابراین من به بحث گلیم بافی می پردازم. علاوه بر این بومی سازی و اهمیت به هنرهای گذشته رعایت می شود. از بچه ها خواسته ام با خانواده شان که بیرون می روند عکس قابل قبول بگیرند و از این عکس ها نمایشگاه برگزار می کنیم. غرفه هایی هم برپا می کنیم که بچه ها آثار طراحی خودشان را ارائه کنند و به فروش برسانند. در بخش گرافیک، بیشتر گرافیک محیطی کار می شود. البته قرار نیست همه گرافیک شوند.

نجما رزمی دیده شدن برای انسان مهم است، به خصوص برای نوجوانان. وقتی نمایشگاه می گذاریم یعنی کار تو خوب بوده و من به تو اهمیت می دهیم. وقتی کار یک هنر جو در نمایشگاه قرار می گیرد، طبیعتاً بچه احساس بالندگی می کند. رشته بسیاری از همکاران، هنرهای تجسمی است و در این بخش بیشتر کار می شود. بنابراین رشته نمایش یا رشته های دیگر مظلوم واقع می شود. من در کلاس درس تئوری را می گفتم. آخر کلاس گروه تئاتر را می آوردم تا نمایش اجرا کنند. در کلاس نمایشنامه خوانی برگزار کردم. بعد به بچه ها، دیالوگ نویسی را یاد دادم. گفتم از کتاب های پایه مثل بوستان و گلستان سعدی استفاده کنند و دیالوگ بنویسند. به آن ها عروسک سازی یاد دادم و عروسک را به عنوان شخصیت آوردند و دیالوگ ها را اجرا کردند. در پایه نهم با بچه ها تمرین بیان و بدن را انجام دادم. و همین طور در نمایشنامه خوانی از متون نمایشی کلاسیک استفاده کردم. این برای بچه ها خیلی جذاب بود و تازگی داشت.

افا حسینی بحث آسیب شناسی درس فرهنگ و هنر مطرح نشد. بعضی از مدیران و معاونین مدرسه خودشان کلاس